

مجله

دانشکده ادبیات

شماره ۲ سال هشتم

دی ماه

۱۳۳۹

اهداء بااستاد محترم Dr. W. Duda

فرخی چه زمان به چغانیان رفت؟

بقلم: آقای دکتر احمد آتش

استاد دانشکده ادبیات اسلامبول

فرخی، یکی از سه شاعر قصیده سرای معروف دوره غزنوی، تنها شاعریست که دیوان او بطور کامل تا امروز حفظ گردیده است.^۱ اثر او از آثار عنصری و منوچهری در برابر خرابکاریهای دوران و تغییرات ذوق حاصله از آن بیشتر مقاومت کرده است. برای اثبات برتری شعر فرخی بر شعر دو شاعر دیگر این حال دلیلی کافی است. فی الحقیقه علی رغم تغییرات مهمی که در ذوق و محیط و موضوعهائی که در شعر از آن بحث میشود بوجود آمده است، اشعار فرخی هنوز هر قلبی را از هیجانان یک زیبایی سرشار و عشق طبیعت و سرور زندگی لبریز میکند. در عین حال اکثر شعرهای فرخی جاندارترین تابلوی فتوحات قهرمانانه محمود غزنوی و جایگیر شدن دین اسلام را در هندوستان ترسیم میکنند. ازین نظر این اشعار امینترین و نایبترین یکی از مهمترین ادوار تاریخی اسلامی است. بدین ترتیب

اشعار فرخی هر قدر از نظر صنعت و هنر گرانقدر است از نظر تاریخی نیز پر ارزش و بهاست. با این همه توان گفت که حیات این شاعر بزرگ تقریباً بتمامی برای ما مجهول است. زیرا ماخذ ادبی درین باره محدودند و این منابع محدود نیز در حق حیات شاعر اطلاعات کافی بدست نمی دهند. تنها نظامی عروضی در حق زندگی شاعر اطلاعاتی درین حدود بدست میدهد: فرخی فرزند **جولوغ** از بندگان **امیر خلف بانو** پس از تشکیل عائله از دهقانی که برای او خدمت میکند اضافه حقوق میخواهد، دهقان قبول نمی کند و فرخی بدنبال ممدوحی شعر شناس میگردد و از آینه و رونده خبری میجوید، با آخر به چغانیان میرود و بوسیله **عمید اسعد** به خدمت **امیر ابوالمظفر احمد بن محمد چغانی** میرسد و پس از مدح او به غزنه میرود و بدر بار محمود غزنوی داخل میشود.^۲

در ماخذ دیگر^۳ بجز قیدهای کوچک که عبارت از اشکال تحریف شده این اطلاعات هستند خبر دیگری دیده نمیشود.^۴

نویسندگان تاریخ ادبیات ایران بطور طبیعی به همین ماخذ محدود تکیه کرده یا همانها را اقتباس کرده اند. بدین ترتیب لازمترین اطلاعاتی که در حق حیات هر شاعر لازم است درباره زندگی فرخی مجهول مانده است.

مثلاً نمی دانیم فرخی در چه زمان متولد شده است؟ کی از خدمت دهقان جدا میشود و به چغانیان میرود؟ پس از آن چغانیان را ترک میکند و بدر بار محمود غزنوی میرسد، این مسافرت که یکی از قسمتهای مهم حیات شاعر را تشکیل میدهد چه زمان صورت گرفته است؟ برای بهتر روشن ساختن این وضعیت نگاهی به آثار چند تن از نویسندگان تاریخ ادبیات ایران کافست. برون^{*} در تاریخ ادبیات مشهور خود^۵، پس از یک مقدمه کوتاه، عین اطلاعات نظامی عروضی را ترجمه کرده از تفسیر یا ایضاح دیگری خودداری میکند. استاد گرانقدر **روزانفر** در اثر مشهور و نایب قیمت خود «سخن و سخنوران» ضمن بحث از سلاطین همدوران فرخی چنین میگوید:^۶

«ابوالمظفر محمد بن احمد بن محمد^۷ از آل محتاج و امراء چغانیان که فرخی اولین

بار از سیستان بدر بار او عزیمت کرد... نوازشها دید و مال و منالی حاصل کرد و از آنجا بغزنین رهسپار گردید...» بدین ترتیب دیده میشود که در اینجا به سؤالاتی از قبیل اینکه این مسافرت مهم چه وقت واقع شده است و با کدام دوره از حیات شاعر تصادف میکند، هیچگونه جوابی داده نمی‌شود.

تا آنجا که میدانم برای نخستین بار ریتزر* در دائرةالمعارف اسلامی بزبان ترکی در مادهٔ مربوط به فرخی این سؤال را مطرح بحث قرار میدهد و چنین میگوید:^۸ «... نزد والی، چغانیان ابوالمظفر... رفت... (همچنان که در مادهٔ مربوط به دقیقی نشان داده است) شاعر که درین زمان تازه ازدواج کرده بود این قصیده را - یعنی قصیدهٔ داغگاه را - حداقل در سال ۳۶۹ هـ. (۹۷۹ میلادی) سروده است. بعد از آن (تاریخ قطعی آن معلوم نیست) در رشتهٔ شاعران دربار محمود غزنوی داخل شد». استاد ه. ریتزر در مادهٔ مربوط به دقیقی که اینجا از آن بحث میکند و از طرف خود ایشان نوشته شده است چنین میگوید: «با این همه قصیدهٔ داغگاه از قصائد نخستین فرخی است؛ اگر قبول کنیم که فرخی که در سال ۴۲۹ وفات میکند، درین زمان ۸۰ سال دارد و در وقت سرودن این قصیدهٔ داغگاه ۲۰ سال داشته باشد، سال سرودن این قصیده ۳۶۹ هجری میتواند بود.» چنانچه دیده میشود این تاریخ کاملاً به یک فرضیه تکیه میکند. علاوه بر این، این تاریخ قدیمترین و دورترین تاریخ است و اینطور نشان میدهد که سرودن این قصیده قبل ازین تاریخ ممکن نیست. ولی هر قدر عمر شاعر را کوتاهتر از ۸۰ سال حساب کنیم طبق این محاسبه تاریخ سرودن این شعر بهمان مقدار به تاریخهای مؤخرتر میآید. چنانچه قدری بعد نشان داده میشود، شهادت لبیبی شاعر معاصر فرخی دائر بمرگ او در جوانی موجود است. بنابراین قبول سن ۸۰ سالگی که در آن زمان آن قدمعتاد نبود برای شاعری که جوان مرده است غیر ممکن است. پس اگر چه در این دو مقاله مذکور مسأله مطرح بحث و گفتگو قرار میگیرد ولی بطرزی بسیار مبهم حل گردیده است.

تکرار تمام اطلاعاتی که تاریخهای ادبیات درین مسأله میدهند اگر غیر لازم

و غیر ممکن بنظر برسد در هر حال باید یکی از آنها را، که این مسأله را بیشتر توضیح داده است، ذکر کنیم. این کتاب اثر استاد محترم ذبیح‌الله صفاست. آقای دکتر صفا به استدلالی شبیه به استدلال ه. ریتز بدین نتیجه واصل میشود^۱: «ورود فرخی در خدمت امیر ابوالمظفر احمد بن محمد چغانی امیر فاضل و شاعر و شاعر پرور چغانیان چنانکه از اشاره او در باره دقیقی - تا طرازنده مدیح تو... - برمیآید مدتی بعد از قتل دقیقی و بنابراین چندین سال بعد از حدود ۳۶۷-۳۶۹ اتفاق افتاده و مثلاً بعد از حدود سال ۳۸۰ یا ۳۸۱ و غلبه ابوالمظفر احمد بر پسر عم خود ابویحیی طاهر بن فضل چغانی که دوره دوم امارت ابوالمظفر بوده است.»

اعتراضاتی که بر سال ۳۶۹ قبلاً وارد شده بود برین تاریخ نیز صادق است. اساساً توجه استاد محترم باین اشتباه لازم بوده است. زیرا چند سطر بعد چنین میگوید^۱: «از یک بیت فرخی که در مرض محمود گفته است:

کاشکی چاره دانمی کردن که بدو بخشمی جوانی و جان

معلوم میشود که در اواخر عمر محمود (متوفی بسال ۴۲۱) فرخی هنوز در مراحل شباب سیر میکرده و نیز از تأسفی که لبیبی برفوت فرخی دارد معلوم میشود وی حتی هنگام مرگ خود جوان بوده است:

گر فرخی بمرد چرا عنصری نمرد؟

پیری بماند دیر و جوانی برفت زود

فرزانه‌یی برفت و ز رفتنش هر زبان

دیوانه‌یی بماند و ز ماندنش هیچ سود ...

با این حال فرخی بر اثر قدرت خود در شاعری و مهارتی که در موسیقی داشت نزد سلطان قربت و مکانت یافت.

همچنان که استاد محترم ذبیح‌الله صفا قبول میکند، فرخی که بعد از ازدواج در سال ۳۸۰ یا ۳۸۱ به چغانیان میرود اگر در آن وقت سنش ۱۸-۲۰ سال میبود میبایست که در زمان مرگ سلطان محمود (یعنی در سال ۴۲۱) ۵۸-۶۰ سال داشته باشد؛ آشکار است که هیچ کس درین سن از جوانیش بحث نمیتوان کرد. معلوم است که

فرخی در سال ۴۲۹ و قات کرده، درینصورت با این محاسبه سن او باید ۶۸ سال باشد که این سن، سن پیری است. چون ممکن نیست سخن لیبی دایر بجوانی فرخی در زمان مرگ راست نباشد، برای تاریخ مسافرت او به چغانیان سالهای ۳۸۰ یا ۳۸۱ قابل قبول نیست. چنانچه در فوق گفته شد استاد محترم ذبیح الله صفا اگر استدلالش را قدری ادامه میداد این عدم توافق برای خود ایشان نیز روشن میگردید.

بنا به توضیحاتی که داده شد، تاریخهاییکه تا کنون درباره مسافرت فرخی به چغانیان، که از دوره‌های مهم تحول حیات شاعر است، داده شده است با حقیقت وفق نمی‌دهد و برای این مسافرت تاریخ مؤخری بر این تاریخها جستنی است.

چنان گمان میبرم که از برای یافتن این تاریخ که در منابع و مآخذ وجود ندارد تشبث به نظریه جدیدی لازم نیست. زیرا این تاریخ در دیوان شاعر که اصلی ترین مآخذ ماست موجود است؛ آنهم در قصیده ایست که بیش از همه قصائد دیگر فرخی خواننده و ذکر کرده میشود. این قصیده، قصیده مشهوریست که شاعر در موقع ترك سيستان و حرکت بطرف چغانیان گفته است و چنین آغاز میشود^{۱۲}:

با کاروان حله برقم ز سيستان با حله‌ای تنیده زدل بافته زجان

از اتفاقات غربیه است که بنا بر آنچه میدانم قیدی که درین قصیده موجود است تا امروز از دیده نویسنندگان تاریخ ادبیات ایران پنهان مانده است. این قید در این ابیات است^{۱۳}:

راهی دراز و دور ز پس کردم ای ملک	تا من بکام دل برسیدم بدین مکان ...
وقتی نمود بخت بمن این در نشاط	کز فرخی جهان نشناسد کس از چنان
فصل بهار تازه و نوروز دلفریب	همبوی مشک باد و زمین پر زبوی بان
عید خجسته دست وفا داده با بهار	باد شمال ملک جهان برده از خزان ...
فرخنده باد بر ملک این روزگار عید	وین فصل فر خجسته و نوروز دلستان
تا این هوا بسیط بود این زمین بجای	طبع هوا سبک بود، آن زمین گران
ای طبع تو هوای دگر، با هوا بباش	ای، نلم تو زمین دگر، با زمین بمان!
ازین ابیات بروشنی پیدا است که فرخی فکر کرده است که این قصیده خود را	

در عید نوروز به امیر تقدیم کند. ولی بیت زیر در بین ابیات فوق :

عید خجسته دست وفا داده با بهار باد شمال ملک جهان برده از خزان
 نشان میدهد که یا این عید نوروز با يك عید دینی تصادف کرده است ، یا این دو
 عید آن قدر بیکدیگر نزدیک بوده اند که شاعری که از جایی دور می آید میتواند
 هر دو را بیکجا تبریک گوید . هر چند که میتوان تصور کرد که مقصود شاعر از « عید
 خجسته » در این بیت همان عید نوروز است، ولی بیت دیگر که کمی بعد در این شعر
 می آید :

فرخنده باد بر ملک این روزگار عید وین فصل فرخجسته و نوروز دلستان
 نشان میدهد که مقصودش تنها عید نوروز نیست ، بلکه در همان موقع از يك
 عید دینی بحث میشود. زیرا در اینجا شاعر امیر را از سه چیز جدا گانه تبریک میگوید:
 آمدن فصل بهار و نوروز و يك عید دیگر، که باید قاعده يك عید دینی باشد. و اوهای
 عاطفه امکان اینکه این کلمات را بدل یکدیگر قبول کنیم ، نمی دهد. بدین ترتیب
 وقتی که فرخی به چغانیان آمده است يك عید دینی با عید نوروز مصادف بوده است
 یا این دو عید در فاصله بسیار نزدیکی بهم قرار گرفته بوده اند. اینقدر هست که قرینه
 دال بر اینکه این عید دینی کدام عید است موجود نیست. بنابراین ، این عید یکی
 از دو عید رمضان یا قربان میتواند بود .

معلوم است که نوروز چون همیشه بر گذشت سالهای شمسی حساب میشود ثابت
 است^{۱۴} و در برابر آن از آنجا که عیدهای دینی بر اساس سالهای قمری حساب میشود
 نظر بر روزهای سالهای شمسی متغیرند، فقط در بعض موارد استثنائی اعیاد دینی با عید
 نوروز در يك روز یا در روزهای نزدیک واقع میشوند. حالا اگر حساب کنیم که این
 تقابل یا نزدیک شدن عیدها که در يك عصر يك یا دوبار واقع شده است در چه سالی
 اتفاق افتاده ، بدیهی است که تاریخ مسافرت شاعر به چغانیان بطور قطع تعیین می شود .
 اگر عید مقصود فرخی عید رمضان (اول شوال) باشد، بر اساس جدول های ماهلر^{۱۵}
 تنها در سال ۴۰۵ هـ. (۱۰۱۴ میلادی) (اول شوال به ۲۴ مارس (۴ فروردین) و در سال ۴۰۶ هـ.
 (۱۰۱۵ م.) به ۱۳ مارس (۲۲ اسفند) تصادف میکند و باید که فرخی این قصیده را در این

سالها گفته باشد. اگر عید مورد نظر شاعر عید قربان (۱۰ ذی الحجّة) باشد، این عید در سال ۳۷۸ هـ. (۹۸۹ م.) به ۲۲ مارس (۲ فروردین) مصادف شده است، اما این تاریخ بدلائلی که در بالا توضیح گردید قابل قبول نیست. بعد از این در سال ۴۱۲ هـ. (۱۰۲۲ م.) روز اول عید قربان به ۱۸ مارس (۲۷ اسفند) مصادف میباشد و روز چهارم عید قربان درست با ۲۱ مارس (روز اول فروردین) تطبیق میکند. درین صورت فرخی این شعر را درین تاریخ می تواند گفته باشد.

سالهای ۴۰۵-۴۰۶ هـ. (۱۰۱۴-۱۰۱۵ م.) یا ۴۱۲ (۱۰۲۲ م.) که برای مسافرت فرخی به چغانیان درینجا تعیین شد، هر چند که از تاریخهایی که تا حال پیشنهاد کرده بودند (یعنی بعد از سالهای ۳۶۹، ۳۸۰، ۳۸۱) بسیار مؤخر است و ازین روی قدری غریب بنظر می آید، اما این تاریخها با وقایع حیات شاعر کاملاً قابل تطبیق است، زیرا:

الف - فرخی پس از ازدواج بسبب افزایش هزینه زندگی گیش به چغانیان رفته است. درین اثنا بنا بعرف و عادات آن روزگار، چنانچه استاد ه. ریتز نیز قبول کرده است، حداکثر ۲۰ ساله میتواند بود. بدین ترتیب باید که سال تولد او میان سالهای ۳۸۵-۳۹۲ هجری باشد. شعری را که فرخی در زمان بیماری سلطان محمود غزنوی (اگر این شعر بمناسبت آخرین بیماری سلطان در سال ۴۲۱ هجری ۱۰۳۰ م. گفته شده باشد، باید که بمناسبت بیماری يك سال قبل از آن باشد.) گفته است و در آن از آرزوی بخشیدن جوانی خود به محمود بحث میکند استاد ذبیح الله صفا نشان داده بود؛ با محاسبه ای که کرده ایم سن شاعر درین زمان باید که در حدود ۲۹ تا ۳۶ سال بوده باشد. فوق العاده مناسب است که شخصی درین سن باشد و از آرزوی بخشیدن جوانی خود بکسی دیگر بحث کند.

ب - شعر لبیبی را درباره جوان بودن فرخی در موقع مرگ در بالا نشان دادیم، بنا به محاسبه ای که میتوان کرد سن شاعر در اثناء مرگ در بین ۳۷-۴۲ سال میباشد که با اینکه نسبت به آن روزگار، فرخی قدری از جوانی گذشته است، معیناً در سنی است که میتوان او را جوان شمرد.

جواب دادن بسؤال دیگری که بامسافرت فرخی به چغانیان تعلق دارد لازم است: چه مدتی شاعر در چغانیان روزگار گذرانیده است؟ ه. ریتز در گفتار اشاره شده در فوق درین مورد بگفتن «تاریخ قطعی آن معلوم نیست» اکتفا میکند. استاد محترم ذبیح الله صفا چنین جواب میدهد: «و چون ورود فرخی بدربار محمود مصادف با دوره قدرت و اهمیت آن پادشاه بوده است باید تاریخ آن مربوط ببعدها سال ۳۹۰ بوده باشد.»^{۱۶} چون سال ۳۸۰ یا ۳۸۱ را که استاد محترم برای سال مسافرت فرخی به چغانیان پذیرفته اند نمیتوان پذیرفت، سال ۳۹۰ نیز که بر این اساس برای سال ورود او بدربار محمود غزنوی تعیین میشود طبعاً مورد قبول واقع نمیشود. علاوه بر آن هیچ دلیل یا ماره ای برای زندگی ده ساله شاعر یا مدتی نزدیک بده سال در دربار چغانیان در دست نیست.

در دیوان فرخی چهار شعر مربوط به این مسافرت موجود است:

۱) قصیده «با کاروان حله ...»^{۱۷} که شاعر محتملاً آن را قبل از حرکت از سیستان ساخته و حاضر کرده بوده است؛

۲) قصیده ای که شاعر برای شناساندن خود به عمید اسعد و تأمین حسن قبول امیر چغانی بواسطه او سروده است؛ زیرا درین قصیده چنین میگوید^{۱۸}:

خواجه بومنصور دستور عمید اسعد کز وست
سعد اجرام سپهر و فخر اسلاف گهر
دولتش گیتی پناه و نعمتش زائر نواز
هیش دریا گذار و همتش گردون سپر
ممتحن را دیدن او باشد از غمها فرج
منهزم را نام او بر دشمنان باشد ظفر...
همچنین نوز خرم صد هزاران بگذران

همچنین ماه مبارک صد هزاران بر شمر.

۳) قصیده داغگاه^{۱۹} مشهور که در یک شب با قصیده «با کاروان حله...» بامیر

چغانی خوانده است؛

۴) بازهم قصیده ایست که بمناسبت تبریک عید مهرگان به امیر ابوالمظفر چغانی ساخته است^{۲۰}؛ این قصیده چنین آغاز میشود:

تا خزان تاختن آورد سوی باد شمال

همچو سرما زده با زلزله گشت آب زلال...

و از این بیت فوراً احساس می‌گردد که شاعر این قصیده را بمناسبت عید مهرگان و فصل خزان سروده است. این بیت دیگر این نکته را به‌کمال وضوح نشان می‌دهد^{۲۱}:

مهرگان جشن فریدون ملک فرخ باد

بر تو ای همچو فریدون ملک فرخ فال

اگر باین اشعار توجه گردد آنچه بطور قطع میتوان پذیرفت این است که شاعر در یک فصل بهار به چغانیان آمده و تا خزان همان سال در آنجا توقف کرده است. بعد از این در هر حال در مدت کوتاهی بدربار محمود غزنوی رفته است زیرا از قصائدی که در مسدح سلطان محمود گفته است قدیمترین آنها، چنانکه میتوان اثبات نمود، قصیده ایست که بمناسبت سفر خوارزم سلطان و فتح شهر گرگانج و هزار اسپ، سروده است^{۲۲} و معلوم است که این سفر در سال ۵۴۰۸ هـ. (۱۰۱۷ م.) واقع گردیده است^{۲۳}. بعد از آن قصیده ای می‌آید که شاعر بمناسبت برگشت سلطان در سال ۵۴۰۹ هـ. (۱۰۱۸ م.) از سفر مشهور قنوج^{۲۴} سروده است^{۲۵}. قصیده ای که بمناسبت فتوحات «کنک» در هندوستان گفته است^{۲۶} در هر حال مؤخر از این دو قصیده میباشد. زیرا در این قصیده اخیر چون از تصرف شهر «باری» بوسیله سلطان محمود بحث میشود^{۲۷}، این شعر باید به سفر کالنجاز محمود که در سال ۵۴۱۰ هـ. (۱۰۱۹ م.) صورت گرفته است بستگی داشته باشد^{۲۸}. قصیده مر بوط بسفر مشهور سومنات (۴۱۰ یا ۴۱۶ هـ.)^{۲۹} و قصیده مرثیه سلطان محمود (وفاتش در سال ۴۲۱/۱۰۳۰ م.)^{۳۰} بالطبع خیلی بعد از آنهاست.

گمان می‌برم که از این توضیحات فوق این نتایج خود بخود واضح می‌گردد: برای مسافرت فرخی به چغانیان همراه سالهای ۴۰۵-۴۰۶ هـ. میتوان سال ۴۱۲ را نیز نشان داد. ولی سال اخیر قابل قبول نیست، زیرا فرخی شعری دارد در حق محمود غزنوی

که محققاً آن را در سال ۴۰۸ سروده است. پس باید گفت فرخی در اول بهار سال ۴۰۶ به چغانیان آمده است، و حداقل تا عید مهرگان آن سال و حداکثر تا عید مهرگان سال بعد در دربار امیر چغانیان بسر برده است و سپس قبل از تاریخ ۴۰۸ هـ. یا درین سال، بدربار سلطان محمود غزنوی انتساب یافته است.

یادداشتها

Jan Rypka et M. Borecky, Farruhi (Archiv Orientalni, Prag, (۱
1947, XVI, p. 18 et cf. 23.

درین جای اخیر از احتمال ضایع شدن اشعار هجو فرخی و شعرهای دیگرش بحث میشود؛
A. Atesh, Tarcenman - al - balâga, Istanbul, 1949 (Istanbul Üniversitesi
yayınlarından, No. 395), بیعد، ص ۱۸، مقایسه کنید یادداشتها، ص ۱۸،
(۲) نگاه کنید به چهارمقاله، چاپ م.م. قزوینی، لیدن - قاهره، ۱۹۱۰، ص ۳۶ بیعد
و یادداشتهای ناشر محترم، ص ۱۶۲ بیعد.

(۳) نگاه کنید به: عوفی، لباب الالباب، چاپ سعید نفیسی، تهران ۱۳۳۵ شمسی، ص ۲۱؛
ظاهرأ احمد امین رازی در هفت اقلیم خود از عوفی اقتباس میکند (نسخه کتابخانه دانشگاه
استنبول، F230، ورق ۱۰۵ آ)؛ تذکرة الامراء دولتشاه، چاپ محمد عباسی، تهران،
بدون تاریخ، صفحه ۶۳ بیعد؛ لطفعلی بیگ آذر، آتشکده، تهران، ۱۳۳۷ شمسی، صفحه ۸۳
بیعد؛ رضاقلیخان هدایت، مجمع الفصحاء، تهران ۱۲۹۵، جلد اول، صفحه ۴۳۹ بیعد.

(۴) دولتشاه (در صفحه مذکور) علی رغم اشعار شاعر که خود را سیستانی میخواند،
اورا ترمنی نشان میدهد، علاوه بر آن میگوید که فرخی در زمان سلطان محمود، حاکم بلخ
ابوالمظفر نصر بن ناصرالدین را مدح کرده است حال آنکه ابوالمظفر کنیه یالقب احمد بن
محمد امیر چغانیان بوده است و نصر بن ناصرالدین از برادران سلطان محمود است و درین
زمانها در بلخ نبوده بلکه حاکم طوس بوده است. لطفعلی بیگ آذر، با آنکه یک قسمت
از قصیده مشهور داغگاه را اقتباس نموده با زهم خطاهای دولتشاه را تکرار میکند. رجوع شود
به هدایت، مجمع الفصحاء، جای مذکور.

A Literary History of Persia, vol.II: From Firdawsi to Sa'di, (۵
Cambridge, 1951, p. 124.

(۶) تهران، ۱۳۰۹ شمسی، ج ۱، ص ۱۱۴.

(۷) در هر حال این اسم بندهول اینجا قید شده است، زیرا اسم این امیر چنانکه در
دیوان (ص ۳۳۱) و چهارمقاله (چاپ مذکور، ص ۳۶ و ۱۶۵) آمده فقط ابوالمظفر احمد بن
محمد بوده است.

Islâm Ansiklopedisi, islâm âlemi tarih, Gografya, etnografya (۸ ج. ۴، ص ۷۹، بیعد. ۱۹۴۸، Istanbul, 1948, ve biografya lugati,

همین اثر، استانبول، ۱۹۴۵، ج ۳، ص ۴۶۲.

(۱۰) تاریخ ادبیات در ایران، جلد اول از آغاز عهد اسلامی تا دوره سلجوقی، تهران

۱۳۳۲ شمسی، ص ۴۵۱.

(۱۱) همین اثر، ص ۴۵۱، بیعد.

(۱۲) نگاه کنید به دیوان حکیم فرخی سیستانی، چاپ علی عبدالرسولی، تهران،

۱۳۱۱ شمسی، ص ۳۳۱.

(۱۳) همین اثر، ص ۳۳۳، بیت‌های ۱۰-۱۲، ۱۶-۱۸.

(۱۴) معلوم است که بسبب خطاهای محاسبه‌ای، روز نوروز تغییر یافته و در عصرهای نخستین اسلام بماه جزیران (خرداد - تیر) مصادف شده است، نگاه کنید به: حسن تقی‌زاده، گاه شماری در ایران قدیم، طهران، ۱۳۱۶ شمسی، ص ۱۶۵، بیعد. با این همه شهادتی بسیار قوی در دست داریم که نشان می‌دهد که روز نوروز در زمان فرخی مصادف بداخل شدن آفتاب بمرج‌حمل (۲۱ مارس، اول فروردین) می‌باشد. این شهادت گفته‌های عالم و هیئت‌شناس بزرگ البیرونی (سال وفات او ۴۴۰ هـ/ ۱۰۴۸ م.) می‌باشد: «وقد زال هذا اليوم اعنی النوروز عن وقته حتی صار فی زماننا یوافق دخول الشمس برج الحمل وهو اول الربیع فجرى الرسم لملوک خراسان فیہ ان یخلعوا علی اساورتهم الخلع الربیعیة و الصیفیة». (الآثار الباقیة عن القرون الخالیة: نشر Leipzig، E. Sachau، ۱۹۲۳، ص ۲۱۷).

(۱۵) E. Mahler, wüstenfeld-Mahler'sche Vergleichungs - Tabellen der mohammedanische und christlichen Zeitrechnung, Leipzig, 1926;

F.R. Unat, Hicri tarihleri milâdi tarihe çevirme kilavuzu, Ankara, 1959

(T.T.K. Yayınlarından, seri VII, №37).

باید علاوه کرد که روزهای فوق بامعاسبه ریاضی تثبیت شده است و حال آنکه اعیاد دینی عموماً بارؤیت هلال تثبیت شده بود. از آن سبب طبیعی است اگر این روزهای عیدیک یا دو روز فرق داشته باشند.

(۱۶) تاریخ ادبیات در ایران، ص ۴۵۱.

(۱۷) دیوان حکیم فرخی سیستانی، ص ۳۳۱، بیعدها.

(۱۸) دیوان، ص ۱۹۰، بیت ۲۱-۲۲؛ ص ۱۹۱، بیت ۷ و ۱۵.

(۱۹) دیوان، ص ۱۷۷-۱۸۲.

(۲۰) دیوان، ص ۲۲۱-۲۲۳.

(۲۱) دیوان، ص ۲۲۳، بیت ۳.

(۲۲) دیوان، ص ۲۰۶-۲۰۸.

۲۳) العتبی، تاریخ الیمینی با شرح العتبی، قاهره، بدون تاریخ، ج ۲، ص ۲۵۸؛ گردیزی
زین الاخبار، طهران ۱۳۲۷ شمسی، ص ۵۷ بیعد؛

M. Nâzim, The Life and Time of Sultân Mahmûd of Ghazna, Cambridge, 1931, p. 58 et suiv.; Y. Hikmet Bayur, Hindistan tarihi (T.T.K. Yayinlarindan, XII, 4), Ankara, 1946, p. 155

رشیدالدین فضل الله، جامع التواریخ، چاپ احمد آتش، ج ۲ (۲۴ انقره، ۱۹۵۷، ص

۱۹۹ بیعد.

۲۴) العتبی، ج ۱، ص ۲۵۹ بیعد، رشیدالدین، ص ۲۰۱؛ گردیزی، ص ۵۸ بیعد؛

M. Nâzim، ص ۵۹.

۲۵) دیوان، ص ۵۲-۵۴:

چوباز گشت به پیروزی از درقنوج مظفر و ظفر و فتح برین و یسار
معهدا درین شعر (صفحه ۵۴، بیت ۹) از شهر «نندا» بحث میشود، ازان سبب این
شعر میتواند که به سفر «غوالیور» و «کالنجر» که در سال ۴۱۴ (۱۰۲۲ م.) واقع شده است
مربوط باشد.

۲۶) دیوان، ص ۶۱-۶۷.

۲۷) دیوان، ص ۶۵: بیت ۱۶.

۲۸) H. Bayur، همان اثر، ص ۱۶۷.

۲۹)، ص ۶۷-۷۶.

۳۰) دیوان، ص ۹۲ بیعد و رجوع کنید به M. Nâzim همان کتاب، فهرست.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی